■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۳۰ ■ چهارشنبه ■ ۲۷ مهر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۹ | اذان مغرب ۱۷/۴۲ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۸ | اذان صبح فردا ۴/۵۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۵

سخن روز

امام علی علیه‌السلام:
خشم، همنشین بسیار بدی است؛ عیب‌ها را آشکار، بدی‌ها را نزدیک و خوبی‌ها را دور می‌کند.
غررالحکم، ج ۳، ص ۲۵۷، ح ۴۴۱۷؛ دانش‌نامه عقاید اسلامی، ج ۹، ص ۲۷۸

دیگرانی نه از این کشور و مردم می‌خواهند هر اتفاقی را به نفع خود مصادره کنند

مهران مدیری: هر اثری را که برای تلویزیون ساخته‌ام، خالقش هستم ولی مالکش نیستم. مالکیت هر اثری در تلویزیون با سازمان صداوسیماست و تصمیم برای پخش یا عدم پخش آن هم با همین سازمان است.

نکته دیگر که این روزها در مورد آن بسیار صحبت شده موضوع خاک و امنیت ملی است. طبیعی است هر کسی که در این کشور به دنیا آمده، تلاش کرده و رشد کرده، عاشق خاک و امنیت و تمامیت‌ارضی وطنش است. همه ما عرق ملی داشته، داریم و خواهیم داشت. کدام ایرانی را می‌شناسیم که یک وطن تکه و پاره را بخواهد؟ اما دیگرانی نه از این کشور و مردم همیشه خواسته‌اند در طول این سال‌ها هر اتفاقی را به نفع خودشان مصادره و ضبط کنند. اتفاقات مردم و آدم‌ها را مال خود کنند و این خیلی ناجوانمردانه است. بهترین تصمیم را مردم شریف و باهوش و دوست‌داشتنی ایران برای کشورشان می‌گیرند. نکته دیگر اینکه من همیشه با فضای مجازی مسأله داشتم. فضای مجازی علاوه بر خوبی‌هایش مضرات بسیاری هم دارد. کمی باید مراقب فضای مجازی و خودمان باشیم... امیدوارم برای مردم ایران بهترین اتفاق بیفتد. به روزهای روشن و حال بهتر امیدوارم. خداوند همه مردم ایران را در آغوش خودش بگیرد.

بخشی از صحبت‌های تصویری این بازیگر و کارگردان که در فضای مجازی منتشر شده است.

پاییز کوچک من
دنیای سازش همه رنگ‌هاست
بایکدیگر
تا من نگاه شیفته‌ام را
در خوش‌ترین زمینه به گردش برم
و از درخت‌های باغ بپرسم
خواب کدام رنگ
یا بی‌رنگی را می‌بینند
در طیف عارفانه پاییز؟

حسین منزوی

نـــگاره
نیما شاه‌میری

تهران پاک با استفاده از حمل و نقل عمومی

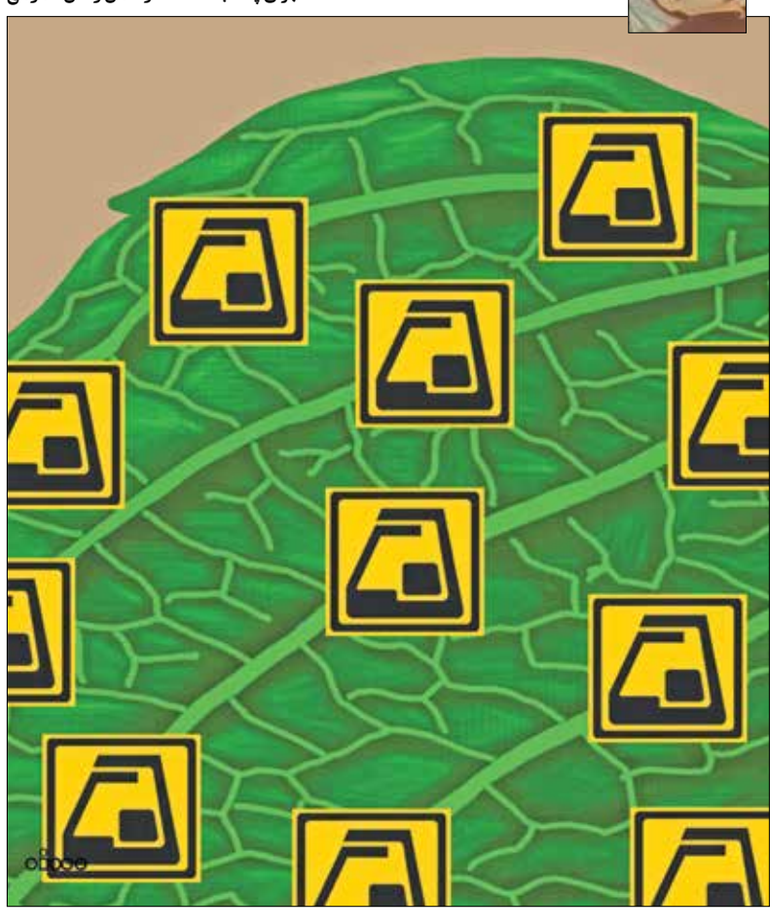

هنرمندان در فضای مجازی

رسوایی برای ستاره فیلم «فلش» که قرار است بزودی اکران شود، اعلام حضور نوید محمدزاده و هانیه توسلی در جمع بازیگران سریال «آکتور» و همچنین اعلام نام نویسنده برگزیده جایزه «بوکر» از جمله مطالب منتشر شده درباره اتفاقات روز عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های کشورمان است.

■ **خبرروز**

سریال «آکتور» ساخته نیما جاویدی با بازی نوید محمدزاده و هانیه توسلی بزودی از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود. ایرنا درباره داستان این سریال نوشته: «داستان آکتور درباره زندگی پرفراز و نشیب چند بازیگر مستعد تئاتر است که بعد از پیشنهادی که به آنها می‌شود، زندگی‌شان دستخوش ماجراهایی پیچیده می‌شود. چند جوان در هیاهوی جامعه و مشکلات مختلفی که با آن درگیر هستند گرفتار مصائب تازه‌ای می‌شوند.» هستی مهدوی‌فر، احمد مهرانفر، گلاره عباسی و هومن برق‌نورد از دیگر بازیگران سریال آکتور هستند. تصویربرداری این سریال تا آذرماه ادامه خواهد داشت و بنابر برنامه‌ریزی‌ها زمان پخش آن از اوایل آبان ماه در فیلیمو و نماوا عنوان شده است.

■ **سینمای جهان**

«فلش» به کارگردانی فیلمساز آرژانتینی برای اکران در ژوئن ۲۰۲۳ آماده می‌شود اما اتهام دزدی ستاره این فیلم برای «اندی موسکیتی» دردسرساز شده است. فلش که گفته می‌شود برای ساخت آن ۲۰۰ میلیون دلار هزینه شده، بر اساس داستانی از جان فرانسیس دیلی، جاناتان گلدشتاین و جوبی هارولد، به قلم کریستینا هادسون نوشته شده است. در طول یک سال گذشته، ماجرای «ازرا میلر» ستاره فیلم فلش به اتهام دزدی خبرساز شد و او آینده خود را به عنوان شخصیت «بری آلن» زیر سؤال برد. با وجود حواشی ستاره فیلم، مدیران کمپانی در حال اتخاذ رویکردی برای اکران فلش هستند و در حقیقت اگر نمایشی قوی داشته باشد، حتی دنباله‌ای هم برای آن ساخته می‌شود. البته فیلمنامه فلش ۲ پیشتر نوشته شده است اما این بدان معنا نیست که دنباله فلش به طور قطع ساخته می‌شود بلکه همه چیز به عملکرد فصل نخست آن بستگی دارد. «ازرا میلر» ستاره فلش به نوبه خود علناً بابت اتهام‌های وارده عذرخواهی کرده و بر اساس بیانیه‌ای که به نقل از این بازیگر توسط نمایندگان او منتشر شده، میلر از مشکلات بهداشت روانی پیچیده‌ای رنج می‌برد و درمان مداوم را آغاز کرده است.

■ **اتفاق روز**

جایزه ادبی بوکر در سال ۲۰۲۲ به رمان «هفت قمر معالی آلمیدا» نوشته «شاهان کاروناتیلاکا» نویسنده سریلانکایی رسید. «هفت قمر معالی آلمیدا» دومین رمان نوشته «کاروناتیلاکا» پس از رمان «مرد چینی» در سال ۲۰۱۱ است. این اثر درباره عکاسی به نام معال آلمیدا است که در بحبوحه جنگ داخلی در سال ۱۹۹۰ در خواب می‌میرد. معالی که نمی‌داند چه کسی او را کشته، هفت قمر دارد تا با افرادی که بیشتر دوست‌شان دارد، تماس بگیرد و آنها را به عکس‌های پنهانی از جنایات جنگ داخلی هدایت کند، عکس‌هایی که سریلانکا را تکان خواهد داد. «نیل مک گرگور» رئیس داوران جایزه بوکر امسال، گفت که این رمان کتابی است که خواننده را به سفری با ترن هوایی به سوی زندگی و مرگ به سمت آنچه نویسنده به عنوان قلب تاریک جهان توصیف می‌کند، می‌برد و خواننده در آن شگفتی، لذت، لطافت، عشق و وفاداری می‌یابد. جایزه «بوکر» که اولین‌بار در سال ۱۹۶۹ برگزار شد، ویژه همه آثار نوشته شده از سراسر جهان به زبان انگلیسی است که در بریتانیا و ایرلند منتشر شده باشند.

■ **تازه‌های نشر**

مؤسسه آوای چیروک دست به انتشار نسخه صوتی کتاب «ارنست همینگوی» زده است، این اثر شامل آخرین مصاحبه و سایر گفت‌وگوهایی است که این نویسنده شاخص ادبیات داستانی انجام داده. نسخه مکتوب این کتاب با عنوان «آخرین مصاحبه و سایر گفت‌وگوهای ارنست همینگوی» پیش‌تر به همت نشر آفتابکاران در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته که دربرگیرنده چهار فصل است: «ارنست همینگوی، هنر داستان‌سرایی» که مصاحبه‌ای است متعلق به مه سال ۱۹۵۴ در پاریس ریوی‌یو، «همینگوی در کوبا» گفت‌وگویی به سال ۱۹۵۴ که در ماهنامه آتلانتیک منتشر شده، «دیداری سرزده با همینگوی» مصاحبه‌ای که آوریل ۱۹۵۸ در هفته‌نامه استار چاپ شده و آخرین گفت‌وگو: «زندگی در بعد از ظهر: آخرین مصاحبه» که در مه ۱۹۵۸ در اسکوائر منتشر شده است. در این گفت‌وگوها همینگوی از عشق، جنگ، شهرت، ماهیگیری و انضباط شورانگیزش سخن می‌گوید. نسخه صوتی این کتاب با گویندگی بهمن وخشور، زینب حاجی حسینی و زینب افخمی منتشر شده است.

■ **گالری گردی**

نمایشگاه عکس «پیدای [نا] پیدا» شامل عکاسی‌های سید مهدی دزفولی از مسجد ایاصوفیه شهر استانبول ترکیه، کلیساهای شهرهای پاریس فرانسه و ماینز آلمان و کنیسه بزرگ شهر بوداپست در مجارستان از ۲۸ مهرماه تا پنج آبان ماه ۱۴۰۱ در گالری شماره دو فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود. فصل مشترک تمامی این عکس‌ها، جلوه‌های مختلف خداباوری در مکان‌های مذهبی در برخی کشورهای اروپایی است. نمایش معماری‌ها در این اماکن مذهبی، نمایش تشابهات و تمایزات هم از دیگر اهداف برگزاری این نمایشگاه عکس است. در برگزاری این نمایشگاه، ۱۳ عکس مختلف درباره این موضوع به نمایش در خواهد آمد. علاقه‌مندان همه روزه از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۸ عصر می‌توانند به گالری شماره ۲ فرهنگسرای ارسباران مراجعه کنند.

هنرِحکمی

یادداشت

محسن نفر
آهنگ‌ساز، پژوهشگر، مدرس موسیقی و نوازنده تار و سه تار

هنرِحکمی چیست؟! هنری که با حکمت قرین است چیست؟! چگونه هنر می‌تواند با حکمت انیس شود؟! به تعبیر دیگر، هنرِحکمی چیست و کدام است؟! برای دانستن آن، اول باید ببینیم که حکمت چیست؟! حکمت؛ سخن محکم و متین و اصیل و استواری است که مبدأش نور است و مقصدش هدایت! پس چند نکته معلوم می‌شود: ۱- اصل و اساس حکمت، نور و روشنی و روشنایی است. ۲- برای هدایت و دلالت و خیر است. ۳- از جنس کلام و سخن است. ۴- چون اصلش نور است، حاملش نورانی است. ۵- ثمره و بهره و نتیجه اش، خوبی و نیکی و نیکویی است و بخوبی و خیر ختم می‌شود! ۶- روش و منشش، نورافشانی و تنویر است. ۷- از ریشه تعقل و تفهم است. ۸- به صلح و صفا و مسالمت می‌انجامد. ۹- معنای زندگی و حیات را معلوم و مکشوف می‌نماید. ۱۰- به علم، اقناع و ایمان نایل می‌کند. ۱۱- هدف و جدیت خلقت را تأکید و تصریح می‌کند. ۱۲- حقایق هستی و خلقت را می‌نماید. ۱۳- از رازها و اسرار خلقت و هستی، پرده‌برداری می‌کند. ۱۴- راه و چاه را از هم تفکیک و تشخیص می‌کند. ۱۵- نوری است که تاریکی‌های وجود (نادانی و نافهمی) را می‌زداید. ۱۶- به زندگی و زیستن، رنگی مقبول و مفهوم می‌دهد. ۱۷- زندگی را هدفمند و هدف‌دار می‌کند. ۱۸- خمیره حیات را که کار و تلاش و حرکت است، تشخیص و تبلیغ می‌کند. ۱۹- کمال و تکامل و سرعت آن را می‌نماید. ۲۰- قدرت و توانایی را لازمه بودن و بقا می‌داند. ۲۱- زیبایی را شرط بقای زندگی و اخلاق را شرط بقای هستی معرفی می‌کند! ۲۲- با حکمت، جهان، حکیمانه دیده و شناخته می‌شود. ۲۳- با حکمت، خلقت، حکیمانه فهم می‌شود و خلقت حکیمانه، دال و مدلول، علت و معلول و آغاز و انجام، ازل و ابد، وحدت و کثرت، بقا و فنا، جبر و اختیار، تقدیر، قادر و مقدور و... را در جهان و عالم، مکشوف می‌کند! حال هنر چیست؟ هنر، همه آنچه را که حکمت می‌گوید، می‌نماید. هنر حِکمی، نمایش هستی است از منظر حکمت. هنر حکمی، نمایش حکیم، حاکم و محکوم است. هنر حِکمی، اصلاً خود، حکمت است. خودِ حکمت است! حکمت است که با زبان هنر ارائه می‌شود! حکمتِ مصوّر و مصوّت. هر آنچه را که با حکمت می‌شود دانست، با هنر می‌شود فهمید. هر آنچه را که حکمت می‌گوید، هنر نشان می‌دهد. هر آنچه که حکمت شرح می‌کند، هنر وصل می‌کند. هنرِحکمی، هم فال است و هم تماشا. هم شرح است و هم وصف! هم می‌شناسد، هم می‌نماید. می‌شناساند و می‌نمایاند! با هنر حِکمی، علم الیقین به عین الیقین مبدل می‌شود! با هنرِحکمی، آرزوها، وصال می‌یابند. همه آنچه در پَس حکمت، به علم و سپس به آرزو مبدل شده، به وصال ختم می‌شود. هنر، تجسم آرزو و تجسد خیال است. با هنر حِکمی، جهان خلقت و انسان و ذهن، بررسی و کنکاش می‌شود. هنرِحکمی، هنر برای حقیقت و تعالی است. همه تعریف‌ها و تفسیرها از هنر، در برابر هنر حِکمی، مکشوف و مخدوش می‌شود! هنر حِکمی، هنر برای عبرت است. حکمت، برای معرفت و هنر، برای عبرت است. فهمیدنِ فهمیدن. فهمیدنِ هر آنچه حکمت در مقام معرفت، می‌گوید! با هنرِحکمی، جهان، غایتدار شناخته می‌شود. تولد و مرگ در بستر تاریخ، غایتمند دیده می‌شود. هنرِحکمی، همان حکمت به‌صورت هنر است. با هنر می‌توان از جهان گفت. به روایت یا حکایت. مستند یا مُستشهَد. می‌توان از انسان گفت! از احساسات یا ادارک. از غرایز یا هیجانات. از تخیل یا تعقل. از خود یا از او! با هنر می‌توان از او گفت و عالم را سایه او دید. هنر، منظر نظاره حق و غیر حق است. البته تا کنون بیشتر مجلای جلوه گری غیر حق بوده است. غیر حق، نه مخلوقات و سایر موجودات است، بلکه جانشینان حق است! هرکه و هرچه در مسند او نشسته است. هر که مدعای دروغین جانشینی و جایگزینی او را دارد! انسان نماها و ناخدایان مدعی. هنرِحکمی، جهت انسان به سمت مبدأ و معاد را معلوم می‌کند! «زکجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا میروم آخر، ننمایی وطنم» هنرِحکمی، بزرگترین دلیل توجیه وجود هنراست. هنرغیرِحکمی، اظهار زیبایی و زشتی است. اما هنرِحکمی اظهار او است. اعلام اوست. اعلان او است. هنر حِکمی فقط اظهار زیبایی و خیر است. زیبایی و خیر مطلق. هنرِحکمی، یک شبه ره صد ساله رفتن است!

ردیف آوازی به روایت «مرکب خوانی»

پیشنهاد

رضا مهدوی
نوازنده سنتور و مدرس موسیقی

خطه گلپایگان و خوانسار به‌دلیل آب و هوای کوهستانی، پوشیده از مراتع و رودخانه‌ها است و در رشته کوه‌های مرکزی ایران قرار دارد. مردمان این منطقه با الحان و صدای‌های مرتفع و گرم تا کنون در عرصه گوناگون موسیقی ایرانی خوش درخشیده‌اند؛ حاج حسین گلپایگانی، از مناسب خوانان و آگاهان زمانه خود، در شاخه‌های موسیقی ملی و مذهبی، در ادامه سرسلسله خوشخوانان خاندان گلپایگانی سال‌ها در تهران مجلس وعظ و مداحی داشت و به فرزندان خود به میراث منتقل کرده است.

اکبر گلپایگانی، شهره آفاق در آواز و ترانه و تصنیف خوانی، در کنار دیگر برادران خود عباس، محمود و محمد گلریز که هر یک دستی توانا در آوازخوانی دارند.

حسن (قاسم) گلپایگانی، خواننده و ردیف‌دان مجموعه «مرکب خوانی» نیز از برادران گلپایگانی است که همچون برادرش اکبر گلپا سال‌ها نزد نورعلی خان برومند بزرگمرد موسیقی ردیف آوازی و سازی تلمذ کرده است و یادگارهایی را به نسل نو انتقال می‌دهد، البته بهره‌مندی او بواسطه آمد و شدهای فراوان استادانی همچون مهرتاش، جندقی، حجازی، حاج آقا مجرد ایرانی، عندلیب و علی اکبر خان شهنازی در منزل پدریشان سبب فراگیری بیشتر و تکمیل آموخته‌ها در زمان‌های متمادی شد. در این آلبوم که شامل ۲۴ قطعه آوازی در سه لوح فشرده است، همراهی نوازندگان سنتور (هانی گلپایگانی) و ویولن (فرشید فرهمند حسن زاده) را در جواب آوازها شاهد هستیم. در لوح اول، آواز شماره ۱، دارای محتوای شنیداری از شور به چهارگاه با اشعار میرزا حبیب خراسانی است که شامل درآمد، زیرکش سلمک، تحریر، منصوری، شوشتری و فرود به درآمد شور است. در آواز شماره ۲، از شور به بیات ترک، با شعر فروغی بسطامی اداوات تحریری را می‌شنویم و سپس درآمد اول و دوم و از تحریر به اوج (سارنج)، به درآمد بیات ترک می‌رسد. جامه‌دران و حزین و فرود به درآمد شور، پایان‌بخش این آواز است.

در آواز شماره ۳، از شور به ابوعطا و لیلی و مجنون، دستگاه همایون با اشعار همای شیرازی و نظامی گنجوی، درآمد اول آغاز و سپس درآمد دوم و حجاز و تحریر به لیلی و مجنون و فرود به درآمد شور است. آواز شماره ۴، دستگاه شور به عراق افشار و بیات ترک می‌رسد با شعر یغمای جندقی و تحریرهای غنّایی. آواز شماره ۵، از شور به ابوعطا و سه‌گاه با شعر حافظ. از ابوعطا با اشاره‌ای به گوشه شهنار و در ادامه سه گاه با یک سکته ملیح تحریرآلود، با فرود به شور. آواز شماره ۶، افشاری مثنوی به عراق و سه گاه با شعر سعدی. آواز شماره ۷، بیات ترک به کرد بیات و شعر فروغی بسطامی با درآمدها و گوشه روح‌الارواح. در لوح شماره ۲، آواز شماره ۱ در مخالف سه گاه به اصفهان و اشعار صائب تبریزی. آواز شماره ۲، مخالف سه گاه به همایون با غزل حافظ است. آواز شماره ۳ در مخالف سه گاه به گوشه‌های راجح و سوز و گداز می‌پردازد با اشعار حافظ و سعدی. آواز شماره ۴، از همایون به رضوی، ابوعطا می‌رود با شعر فروغی بسطامی. آواز شماره ۵، شامل اصفهان فرنگی به سه گاه و شور با شعر وحشی بافقی معنا می‌یابد. آواز شماره ۶، اصفهان است و عراق و بیات ترک با شعر جناب توفیق. تحریر طاهرزاده در اینجا جلوه‌گری دارد. آواز شماره ۷، اصفهان به سه گاه با شعر سعدی و تحریرهای چکشی شنیدنی است. آواز شماره ۸، از عشاق به نوا و اصفهان با شعر سعدی ادامه می‌یابد. لوح شماره ۳، شامل آوازهای یک تا ۹ است در مایه‌های ماهور به نوا از اشعار سعدی، جامی هروی و شهریار، مولانا، حافظ و مشتاق اصفهانی استفاده شده است. در آواز شماره ۹ این لوح شعر «راستگویان حجازی به نوا می‌گوید/ که حسین کشته شد از جور مخالف به عراق» که حاکی از فنون مرکب خوانی در بیان شعری در تبیین آوازها و دستگاه‌ها و گوشه‌های اصلی ردیف آوازی همچون راست پنجگاه، حجاز ابوعطا، نوا، حسینی شور، مخالف سه گاه و عراق بوده است.

مرکب خوانی در ردیف موسیقی آوازی ایران

روایت: استاد حسن گلپایگانی / ناشر: آوای گل آهنگ / سال ۱۳۹۵

مزایای دیوید لینچ بودن

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

اگر بخواهیم خیلی خلاصه درباره دیوید لینچ حرف بزنیم باید بگوییم دیوید لینچ، دیوید لینچ است. این تنها تعریفی است که می‌توانم از او به دست بدهم. مزایای لینچ بودن زیاد است، نخستین‌اش این‌که شما هیچ توقعی از او ندارید. او قرار نیست مثل همه باشد. او فقط و فقط شبیه به خودش است؛ خودی که بعید است از کسی انتظار داشته باشید. غیر از هنری که در لینچ هست او قرار است آدمی باشد که عجیب بودن را انتخاب کرده است. حالا این عجیب بودنِ به او چه امکانی می‌دهد؟ این امکان اوست که مثلاً در همه‌گیری کرونا هر روز از پشت پنجره به بیرون نگاه کند و آب و هوای ال ای را برای شما گزارش کند. هر روز و هر روز. این تنها و تنها نبوغ می‌تواند باشد و نه چیز دیگری. شاید پیش خودتان بگویید چطور چنین حرکتی نبوغ‌آمیز است؟ بعید است بتوانم پاسخ قانع‌کننده‌ای به شما بدهم اما می‌توانم به شما اطمینان بدهم که این حرکت او نبوغ‌آمیز است. درست وقتی که شما می‌خواهید یک آدم حرفه‌ای مثل لینچ را ببینید او ترجیح می‌دهد قواعد را بشکند و در نقش گزارشگر آب و هوا ظاهر شود یا در کارگاهش ویدیوهایی که از یک نفر انتظار ندارید، بسازد.

اما به گمان من باید یک چیز را در مورد او در نظر گرفت. او یک سوررئالیست است. این چه ویژگی‌ای برای او ایجاد می‌کند؟ این امکان برای او فراهم می‌شود که چیزهای غیرممکن را به شما بقبولاند و شما آنها را باور کنید. این طور است که او اصلاً عجیب به نظر نمی‌آید. او یک سوررئالیست است که دارد زندگی معمولی خودش را انجام می‌دهد. او صبحانه می‌خورد و به قول خودش قهوه روزانه‌اش را می‌نوشد و کارهای روزمره‌اش را دنبال می‌کند. او از دید سوررئالیسم یک آدم عادی است اما از دید یک آدم عادی او یک سوررئالیست است با شگفتی‌های فراوان. او کسی است که از هیچ چیز غیرواقعی برای نشان دادن ترسی ندارد. او می‌تواند هر کاری که انسان نمی‌تواند انجام بدهد انجام بدهد. شاید فکر می‌کنید دارم درباره فیلم‌های او حرف می‌زنم اما اشتباه نکنید، من درباره زندگی روزمره او صحبت می‌کنم. روش‌های عجیب دیوید لینچ بودن در زندگی روزمره؛ روش‌هایی که می‌شود با آن یک زندگی متفاوت اما عادی را تجربه کرد. می‌خواهم به سراغ یکی از آثار لینچ بروم. سریالی با نام «توین پیکس»، سریالی که نخستین فصل آن در سال ۱۹۹۰ ساخته شده است. تا اینجا او هیچ چیز عجیبی ندارد اما او یک اثر عجیب خلق کرده؛ در یک شهر خیالی به نام توین پیکس در ایالت واشنگتن که در آن قتلی رخ داده است و باید راز این مردن برای شما آشکار شود اما همه ماجراها و آدم‌ها آن آدم‌ها و ماجراهایی نیست که شما می‌شناسید و در سریال‌ها به آن خو کرده‌اید. او دومین فصل را در ۱۹۹۱ ساخت و باید ۲۵ سال می‌گذشت تا فصل سوم در سال ۲۰۱۷ با همان بازیگرها و ادامه همان اتفاق‌ها ساخته شود. وارد شدن به جهانی دیگر و همه ذهن آشفته‌ای که یک کارگردان می‌تواند داشته باشد و همین او را متمایز می‌کند. او در فصل سوم از این سریال، عجیب‌تر از فصل‌های پیشین است. او راحت‌تر ریسک می‌کند و انگار تجربه‌های ۲۵ ساله را در این فصل به کار می‌گیرد. او می‌تواند یک قسمت شما را پای تلویزیون بنشاند و به شما هیچ داستانی ندهد و فقط انتزاع ببینید. او می‌تواند، برایش هم اهمیتی ندارد که این محصول چقدر در گیشه می‌تواند موفق باشد. شما می‌توانید یکی از کارگردان‌های کم‌اقبال از سمت تماشاگر باشید اما همزمان یکی از مهم‌ترین کارگردان‌های سینمای جهان باشید.

پلی بین روح و جسم

یک فنجان چای

رامتین ایمانی نوبر
روانشناس

ویلهلم بوش شاعر و نقاش آلمانی در یکی از اشعارش نوشت: «متمرکز است روحش بر حفره کوچک دندان آسیابش.» یکی از عاشقانه‌ترین روابط، ارتباط روح و جسم است. تأثیر دوسویه و متقابلی که به ساخت ساحت پلی می‌انجامد که نقش چشمگیری بر رفتارها و شکل‌گیری شخصیت انسان دارد. آنچه که چشم‌نواز است، جریانی است که توسط این دوسو، در پل اتفاق می‌افتد. از این رو، از دیرباز فیلسوفانی چون افلاطون به اهمیت این پل اشاره کردند تا در قرن هفدهم رنه دکارت مضمون دوآلیسم یا همان دوگانه‌گرایی ذهن و بدن را مطرح کند و سرانجام با ظهور عصب‌شناس‌ها و روانکاوها در اواخر قرن نوزدهم تأثیر دو سویه عوامل روانی و جسمی بیشتر از پیش مورد بررسی قرار گیرد تا جایی که انسان امروز یقین دارد که بالا یا پایین شدن یک هورمون یا انتقال دهنده عصبی چگونه می‌تواند در خلق و خو تأثیر بگذارد یا حتی به عنوان یک کاتالیزور در ابتلا به یک اختلال روانی یا آسیب جسمی نقش مهمی ایفا کند. باری، یکی از این مقوله‌ها آسیب مغزی و اثر سوء آن در رفتار است. استوارت یودوفسکی و رابرت هیلز در یکی از مقاله‌هایشان ماجرای جوانی را نقل می‌کنند که آسیب مغزی باعث تغییرات ناگهانی در خلق و خو و رفتارش شد تا حتی سبب افت تحصیلی و روی آوردن وی به مواد مخدر گردید. درواقع پس از چند جلسه شرح حال بالینی، تصمیم بر آن شد که از سر وی MRI گرفته شود. تصویر حاکی از یک آسیب جدی مغزی در قشر پیشانی سمت چپ مغزش بود. بالاخره او اعتراف کرد که مدتی پیش به همراه یکی از دوستانش با اتومبیل تصادف و سرش شدیداً به داشبورد اصابت کرد تا برای ساعاتی گیج و سردرگم شود. انگار، سرانجام دلیل مبهم این اختلال عیان شده بود. درواقع قشر پیشانی، قسمتی از مغز است که به روابط اخلاقی، اجتماعی و کنترل رفتارهای تکانشی انسان مربوط می‌شود، بنابراین صدمه در این قسمت سبب تغییرات بسیاری در رفتار او شده بود، آنچه از یک دختر آرام و موفق، یک جوان تندخو و ناموفق ساخته بود. با این اوصاف، اکنون می‌توان از سوی دیگر پل به جریان این رابطه دو سویه نگریست. یعنی، عوامل روانی نیز می‌توانند در فعل و انفعالات زیستی بدن و حتی تشدید یا بهبودی صدمات فیزیکی اثر منفی بگذارند. در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۵ محقق امریکایی مارگوت پاکوتیان درخصوص ورزشکاران انجام داد، روشن گردید که عوامل پیش از آسیب، از جمله عوامل زیستی، روانی و اجتماعی- فرهنگی، که مهمتر از همه استرس (یک عامل روانی) است، می‌تواند خطر آسیب دیدگی دوباره را افزایش و سرعت بهبودی ورزشکار را کاهش دهد. از آنجایی که استرس می‌تواند توجه را درگیر کند، می‌تواند با عملکرد ورزشکار تداخل داشته باشد و وی را مستعد آسیب‌دیدگی کند. حتی در افرادی که به افسردگی مبتلا هستند، استرس سبب بالارفتن تنش عضلانی و هماهنگی می‌شود که می‌تواند خطر آسیب را افزایش دهد و از طرفی پایین بودن استرس نیز می‌تواند میزان آسیب و بیماری را کاهش دهد. همچنین، این احتمال نیز داده می‌شود که افسردگی و اضطراب تشدید کننده صدمات فیزیکی هستند که می‌توانند بهبودی پس از آسیب را طولانی‌تر کنند. با این تفاصیل می‌توان گفت، آنچه می‌تواند مایه صحت و سلامت یا بهبودی روان و جسم انسان شود، پی بردن به اهمیت پلی است که این دو سو را به هم گره می‌زند تا ملهم و متأثر از یکدیگر باشند، تا پاسخی برای چرایی‌ها و چگونگی‌های زیستن باشد، تا انسان را چند گام دیگر به آگاهی نزدیک و نزدیکتر گرداند. بی‌راه نبود که ویلهلم بوش با ظرافت نشان داد که چگونه یک حفره کوچک در دندان آسیاب می‌تواند تمام روح انسان را به خود متمرکز و البته آشفته کند، ضمن اینکه عکس آن نیز صادق است. بنابراین با اقتباس از آن قطعه زیبا از شعرش، می‌توان از سوی دیگر پل سرود: «متمرکز است دندان آسیابش بر حفره کوچک روحش.»

عکس نوشت

خبرگزاری ایسنا گزارش تصویری منتشر کرده از پروژه هنری که قرار بود ۱۲ سال پیش در سوریه به نمایش گذاشته شود و جنگ آن را متوقف کرده بود، اما این پروژه امسال بعد از چندین سال تأخیر کوچه‌های حلبِ جنگ زده را زینت بخشیده و ۲۹ اثر هنری در میدان الحطب و اطراف آن در شهر حلب سوریه به نمایش گذاشته شده‌اند که وجه مشترک همه آنها وجود کبوترهای سفید است.
«یکی بود یکی نبود» عنوان کنونی این نمایشگاه هنری است که قرار بود در سال ۲۰۱۰ با ۱۶ هزار کبوتر و با نام «پنجره ۲۰۱۰»، خیابان‌های حلب را برای چند روز زیباتر کند اما جنگ و ویرانی در سوریه این پروژه را متوقف کرد. محل نمایشگاه برای مردم سوریه یادآور سال‌های جنگ و ناامنی و گریز است اما بازدیدکنندگان از این نمایشگاه می‌گویند، این آثار هنری که توسط ده‌ها هنرمند جوان سوری خلق شده‌اند، زندگی و امید را به این محل بازگردانده‌اند.